

## شناخته‌شده و نگرش آمایشی

کیومرث یزدان پناه در<sup>۱</sup>، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران. دانشکده جغرافیا. گروه جغرافیای سیاسی

### چکیده

همزمان با آشکار شدن نقش علم و عالمان برجسته در توسعه بشر، در عصر متحول‌شده امروزی، علم و دانش جغرافیا نیز تأثیر بسزایی در شکل‌گیری پایه‌های توسعه و ستون برنامه‌ریزی هر کشوری ایفاء می‌کند. کشور ایران که از الگوهای کامل جغرافیایی به مفهوم ژئوپلیتیکی بهره می‌برد، در نظام آمایش سرزمین این موضوع مهم را چندان جدی ندیده‌است. با

---

<sup>۱</sup> kyazdanpanah@ut.ac.ir

مروری گذرا به تاریخ چند سده اخیر ایران متوجه این نکته اساسی می‌شویم که اکثر حکومت‌های سلسله‌ای و دولت‌های حاکم در ایران از توجه به بنیان‌های جغرافیایی این کشور غفلت داشته‌اند. از طرفی در تاریخ معاصر ایران نیز مدنظر قراردادن بنیان‌های جغرافیایی توسط حکومت‌ها و دولت‌ها با فراز و نشیب‌ها و نقصان‌های فراوانی مواجه بوده‌است. که این امر را بطور قطعی می‌توان یکی از دلایل عدم شکل‌گیری پایه‌های توسعه عقلانی و ستون‌های برنامه مقتدر در ایران دانست. زیرا امروزه در کنار تمام مسائل مکانی در علوم جغرافیا، برخی مکان‌ها بیشتر از هر زمان دیگر مورد توجه هستند. کرانه‌های ساحلی و سواحل دریاها بویژه دریاهایی که به آبهای آزاد بین‌المللی وصل هستند، از جمله مکان‌هایی است که در این راستا ارزیابی می‌شوند. این مکان‌ها در حال حاضر نقش بسزایی در توزیع مناسب وظایف سیاسی - فرهنگی - اقتصادی و امنیتی برعهده دارند. و در صورت بهره‌گیری از نظام آمایش سرزمین، به خوبی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از وظایف ملی را برعهده می‌گیرند. لذا اگر این موضوع را بعنوان یک شاخص در نظر گرفته و تصویری کانونی از نظر جغرافیایی بدان داده شود، تکمیل‌کننده حلقه مفقوده توسعه در ایران و رفع موانع و بن‌بست‌های پیش رو خواهد شد. و سواحل جنوبی ایران، با اولویت سواحل مکران نقش کلیدی در تحقق این آرمان سرزمینی دارند. این تجربه در کشورهایی که راهبردهای ژئوپلیتیک خود را در نظام آمایشی همگن ساخته‌اند بخوبی می‌توان مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک ایران، ژئوپلیتیک مکران، برنامه‌ریزی آمایشی، ساختار امنیتی، توسعه پایدار، سواحل مکران.

#### ۱. مقدمه

از منظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران در جنوب کشور، موقعیتی کانونی است که اهمیت راهبردی بلندمدت دارد. سواحل جنوبی ایران می‌تواند نقش‌های موثری برای کشور ایفاء کند. همانگونه که کشور استرالیا با بهره‌گیری از سواحل جنوبی، نه تنها به این مناطق نقش محوری داد بلکه آن را تبدیل به مهمترین کانون جغرافیایی توسعه استرالیا تبدیل کرد. کشور چین نیز چنین روشی را مناسب با ساختار اقتصادی چین در منطقه شانگهای دنبال کرد که این منطقه در حال حاضر یکی از فعال‌ترین مراکز اقتصادی دنیا با جاذبه‌های فراوان می‌باشد.

امروزه هر کدام از مناطق جغرافیایی ایران، در باب مباحث امنیت و توسعه پایدار، در جای خود نقش محوری ایفاء می‌کنند. این نقش‌های متفاوت جغرافیایی در راستای تبیین جایگاه نظریات معتبر جغرافیایی و نقش جغرافیا در توسعه و در مسیر کسب درجات توسعه ایمن و



مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

پایدار و همچنین مبتنی بر نگرش‌های ملی و ژئوپلیتیکی در عصر حاضر بیشتر از هر زمانی مورد توجه است. و در اثر تغییر ترتیبات مکانی - فضایی که در نتیجه درآمیختگی عوامل معتبری همچون جغرافیا- سیاست - قدرت و فلسفه فکری بشر حاصل شده، بعنوان اولین اصل اساسی آمایش سرزمین از آن بهره گرفته می‌شود.

از طرفی جایگاه استراتژیک دریا در توسعه و بسط اقتدار ملی در استمرار زمان، نیازمند نگاه راهبردی و کلان محور است که در ایران باید بدان توجه مستمر بشود. تحقق این امر نرم‌افزاری نیاز به تحقیق و شناسایی علمی عوامل تأثیرگذار و استخراج موانع و محدودیت‌های آن است. و این مسأله در جغرافیای جنوب ایران بطور واضح نمایان است. زیرا یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های این منطقه، مجاورت آن با آب‌های آزاد بین‌المللی در سرتاسر مرز جنوبی، همسایگی مستقیم با کشورهای پاکستان و افغانستان، و به‌طور غیرمستقیم با کشورهای آسیای مرکزی (از طریق ترکمنستان) است که یک راه غیرقابل چشم‌پوشی برای این کشورهای محصور در خشکی (به جز پاکستان) به دریاهای آزاد محسوب می‌شود و همچنین در جوار بزرگترین انبار انرژی دنیا یعنی خلیج فارس قرار دارد که کل سواحل جنوبی این خلیج، استمرار ژئوپلیتیکی سرزمین ایران محسوب می‌شود. مرزهایی که از برترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و کارکرد ژئواستراتژیکی برخوردارند و به مهم‌ترین گذرگاه‌های ژئوپلیتیکی قاره‌ای و بین‌قاره‌ای متصل هستند، گذرگاه باب‌المندب- گذرگاه مالاکا و کانال سوئز مهم‌ترین آن هستند. اما در حال حاضر زیرساخت‌های توسعه و بسترهای ترانزیتی آن با سطح استاندارد جهانی، فاصله‌ای چشمگیر دارد. (نقشه عمومی منطقه)



## ۲. تبیین مسئله

مسئله اساسی که در این تحقیق به راه حل نسبی آن پرداخته می شود، جایگاه آمایش سرزمین در ایران بویژه سواحل و کرانه های دریایی این کشور در دریای مکران به منظور تحقق اهدافی آرمانی در مناطق جنوبی آن با کارکرد درازمدت منطقه ای و جهانی می باشد که در وهله اول عدم توجه عقلانی و مدنظر قراردادن جغرافیا، خود بیانگر وجود مانع و مشکل در تحقق اهداف و چشم انداز بلندمدت توسعه در ایران تاکنون بوده است. از سویی دیگر، ویژگی های مسئله، تبیین اهمیت مسئله در حوزه تخصصی ژئوپلیتیک را گوشزد می کند. تا با تشریح واقعیات سرزمینی، به سوال اساسی مورد نظر در تحقیق که همان برنامه ریزی ژئوپلیتیکی و تأثیر آن توسعه پایدار چگونه است؟ پاسخ دهد.

## ۳. مقدمه ای بر آمایش سرزمین در جنوب ایران

بهره برداری از ظرفیت های بالقوه موجود در استان های جنوبی و پتانسیل های ملی برای توسعه مناطق مزبور، علاوه بر این که دروازه های جدیدی برای توسعه کشور می گشاید، تهدیدهای موجود را نیز به فرصت هایی برای توسعه سرزمین تبدیل می کند. واقعیت این است که توسعه سواحل جنوبی کشور هم یک هدف استراتژیک برای توسعه متوازن کشور است و هم تاکتیکی برای از بین بردن تهدیدهای محتمل در آینده



مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

توسعه نواحی کرانه‌ای و ساحلی ایران در امتداد خطوط طولانی خلیج فارس و دریای عمان عاملی موثر برای توسعه نواحی کمتر توسعه‌یافته در پس‌کرانه خواهد بود. منابع و امکانات توسعه سواحل جنوب از نقطه نظر انرژی به شرح زیر می‌باشد:

- ایران پس از روسیه دومین کشور برخوردار از ذخایر گاز در دنیا است.
- ایران پس از عربستان دومین کشور دارای ذخایر نفت در دنیا است.
- ایران حدود ۱۵ درصد از ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارد.
- ایران چهارمین تولیدکننده گاز در دنیا است.
- حجم گاز مخزن پارس جنوبی (مشترک بین ایران و قطر) حدود ۸ درصد گاز جهان است.
- حجم گاز سهم ایران از مخزن مشترک پارس جنوبی حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب در روز است.
- قیمت گاز مخزن پارس جنوبی (سهم ایران) براساس قیمت بشکه ای ۵۰ دلار معادل ۴۰۰۰ میلیارد دلار است.

پیامدهای توسعه‌نیافتگی سواحل جنوب کشور از این قرارند:  
 - حاشیه‌ای شدن بخش‌های وسیعی از مناطق جنوبی کشور  
 - عدم توازن بیشتر بین این مناطق و سایر نقاط کشور و افزایش نابرابری‌های موجود بین مناطق

- افزایش بیکاری و مهاجرت به دیگر مناطق کشور  
 سواحل جنوب کشور با مزیت‌های دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی و اقیانوس هند، نزدیکی به منابع انرژی دسترسی به خطوط حمل و نقل دریایی برای جذب جمعیت و فعالیت دارای اولویت استراتژیک و اولیه است. این در حالی است که در روند فعلی اقدامات اجرایی و برنامه‌ای کشور (بویژه آینده سکونت در کشور) سیاست روشنی برای پراکنش متوازن جمعیت در پهنه سرزمین دیده نمی‌شود. بطور مثال دشت تهران با یک درصد وسعت سرزمینی، بیش از ۲۴ میلیون نفر از جمعیت کشور را بصورت متراکم در خود جای داده‌است. استقرار جمعیت در شهرهای موجود عملاً به گسترش نامتوازن این شهرها دامن زده و مشکلات عدیده‌ای را به جهات اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی موجب خواهد شد و منابع آب و اراضی کشاورزی جدیدی از حیثه فعالیت‌های تولیدی خارج می‌شود.

تهران- وزارت کشور- ۲۷ مهرماه ۱۳۹۵

از کل جمعیت کشور فقط حدود ۵ درصد در سواحل جنوبی کشور استقرار دارند، درحالی که در صورت نگرش آمایش به کل این مناطق می‌توان در یک پروسه ۱۵ ساله جمعیت این مناطق را به بالای ۲۰ درصد رساند. بطور مثال: جزیره قشم در خلیج فارس در صورت بهره‌گیری از نظام آمایش ملی می‌تواند به یکی از متراکم‌ترین مناطق جمعیتی کشور تبدیل شود و بندر چابهار به یکی از بزرگترین سامانه‌های تجاری منطقه و حتی جهان تبدیل شود. در دنیا (در کشورهای حاشیه دریاها) این رقم حدود ۵۰ درصد است و مثلاً در استرالیا ۹۰ درصد مردم در سواحل زندگی می‌کنند.

در جدول زیر استان‌های ایران به پنج گروه تقسیم شدند و با استفاده از نرم‌افزار عدالت فضایی از نظر شاخص‌های متفاوت (بهداشتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، کالبدی، آموزشی) مورد سنجش قرار گرفته و فاصله آن با میانگین ملی سنجیده شده است (حافظ نیا، ۱۳۹۳).

جدول ۱

استان‌ها	سطوح
قم	خیلی بیشتر از میانگین ملی
تهران، اصفهان، بوشهر، سمنان، یزد	بیشتر از میانگین ملی
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، کرمان، خوزستان، فارس، قزوین، مرکزی، همدان	برابر میانگین ملی
کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری	کمتر از میانگین ملی
البرز، خراسان جنوبی، ایلام، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، مازندران، گیلان، لرستان، هرمزگان	خیلی کمتر از میانگین ملی

منبع: (حافظ نیا، ۱۳۹۳)

با توجه به جدول بالا استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان جزو مناطقی است که از نظر بهره‌برداری در سطح خیلی کمتر از میانگین ملی قرار گرفته است. در صورتی که این مناطق اگر با «جغرافیای قدرت و حمایت» همراه شود، می‌تواند افقی از رفع محرومیت را برای مردم این نواحی بگشاید.

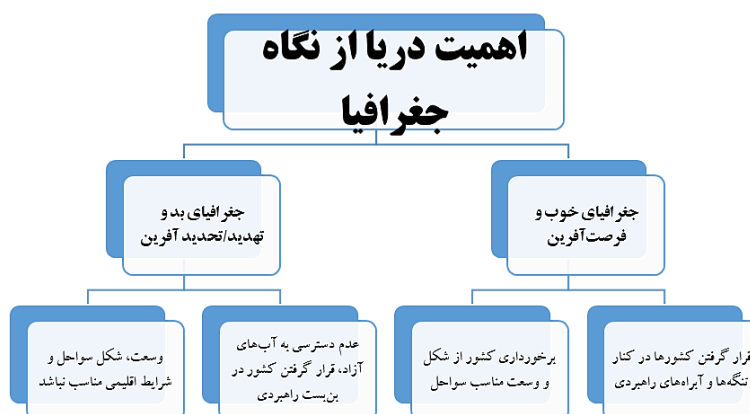
پیامدهای توسعه صنایع در سواحل خلیج فارس و دریای عمان:



مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور"

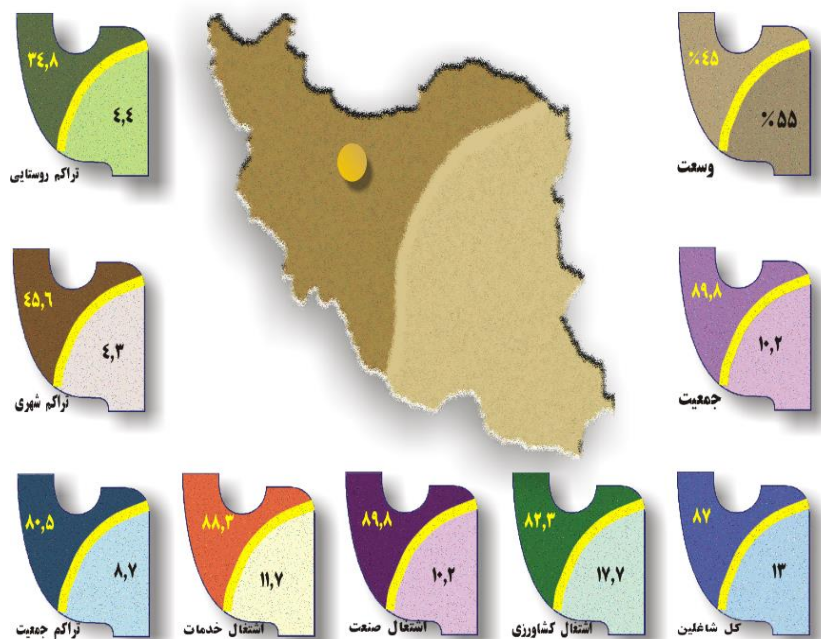
- با توسعه سواحل جنوب حدود ۲ میلیون شغل جدید در منطقه ایجاد می‌شود.
  - امکان اسکان بیش از ۱۰ میلیون نفر از ۲۰ میلیون نفر جمعیت افزایش یافته تا سال ۱۴۰۴، فراهم می‌شود.
  - پیوندهای ملی در مناطق فوق تقویت و از واگرایی‌های قومی کاسته خواهد شد.
  - ترکیب جمعیتی مناطق ساحلی به نفع امنیت ملی تغییر خواهد کرد (گروه جامعه‌شناسی، ۱۳۹۲).
- در اسلاید زیر اهمیت دریای مکران و سواحل جنوب ایرانی از نگاه علم جغرافیا بخوبی ترسیم شده است.

نمودار ۱



اما نقشه زیر نشان از تفاوت‌های فاحش درون‌سرزمینی و وجود عوارض و محدودیت‌های شدید در بخش قابل‌توجهی از حوزه سرزمینی ایران دارد.

**عدم تعادل بین دو نیمه غربی - شمالی و شرقی - جنوبی سرزمین (۱)**



**استان سیستان و بلوچستان**

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع پهناورترین استان کشور می باشد، که با قرارگرفتن در بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ، از نظر جمعیتی از کم تراکم ترین استان های کشور است. این استان از شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان و از مغرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود می شود.

این استان پهناور در سمت شرق با کشور پاکستان ۹۰۰ کیلومتر و با کشور افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد؛ در قسمت جنوب با دریای عمان مرز آبی دارد و از قسمت شمال و شمال غرب با استان خراسان به طول ۱۹۰ کیلومتر و در قسمت غرب با استان کرمان به طول ۵۸۰ کیلومتر و با استان هرمزگان به طول ۱۶۵ کیلومتر همجوار است. این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل یافته است که از لحاظ طبیعی با یکدیگر متفاوتند. ناحیه سیستان در قسمت شمالی این استان قرار دارد و حوزه مسطح و مسدودی است که از آبرفت های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است. ناحیه بلوچستان منطقه وسیع کوهستانی است که



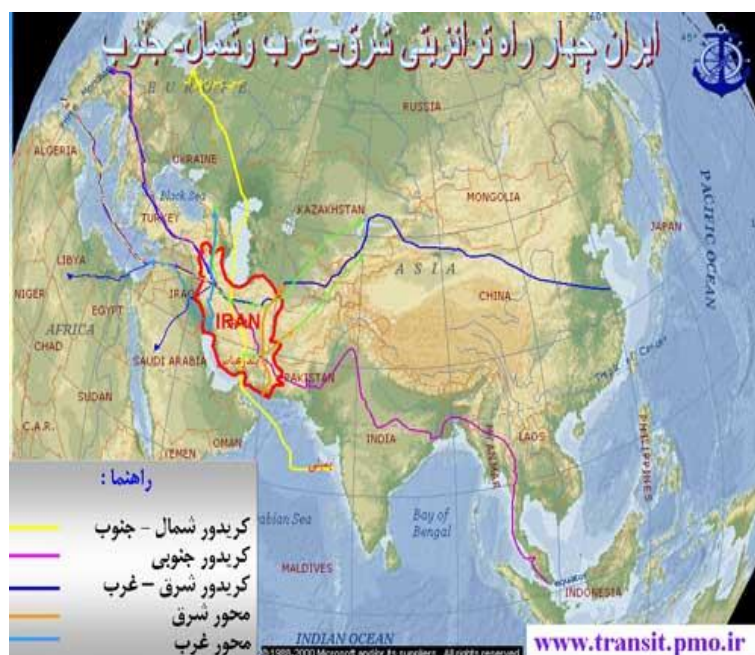


مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

حد شمالی آن کویر لوت و حد جنوبی آن دریای عمان است. مرزهای طولانی آبی و خشکی استان با کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، موقعیت ویژه‌ای را به آن بخشیده و سبب ایجاد شرایطی خاص شده است. چندگانگی و تنوع مذهبی، گویش‌های مختلف و نمود تعلقات قومی و قبیله‌ای از دیگر ویژگی‌های اجتماعی این استان است. این استان براساس آخرین تغییرات شامل ۱۴ شهرستان است: ایرانشهر - چابهار - خاش - دلگان (به مرکزیت گلمرتی) - زابل - زابلی - زاهدان - زهک - سراوان - سرباز (به مرکزیت راسک) - سیب سوران (به مرکزیت سوران) - کنارک - میان‌کنگی (به مرکزیت دوست محمد) - و نیک شهر. همچنین این استان از ۴۰ بخش و ۳۶ شهر تشکیل گردیده است. بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر استان زاهدان با بیش از ۵۶۷ هزار نفر جمعیت می‌باشد و کم‌جمعیت‌ترین شهر این استان شهر کوچک سرباز است که فقط ۱۰۴۷ نفر جمعیت دارد.

بنادر، اسکله‌ها و مستحذات ساحلی و دریایی استان سیستان و بلوچستان شامل بنادر تجاری شهید بهشتی و شهید کلانتری و بنادر صیادی هفت تیر، پسابندر، بریس، رمین، تیس، کنارک، پزم، تنگ و بندر درحال احداث گالک (زرآباد) و بنادر نظامی سپاه و ایران بندر و اسکله صنعتی کارگاه لنج‌سازی منصور، اسکله تفریحی نیروی هوایی (شمال بندر کنارک) و نیز موج‌شکن‌های آب شیرین کن کنارک می‌باشند که تحت نظارت اداره کل بنادر و دریانوردی استان مستقر در بندر چابهار فعالیت می‌کنند.

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که همیشه در دوره‌های گذشته در معرض تهاجم همسایه‌های خود بوده است، گاهی بر آن‌ها غلبه یافته و حدود خود را توسعه می‌داد و گاهی نیز مغلوب اقوام مهاجر می‌شد، در حقیقت مرزهای طبیعی نجد ایران همیشه در معرض تجاوز بیگانگان بوده است (عبادی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۸).



### جغرافیا، آمایش سرزمین و توسعه

این یک واقعیت انکارناپذیر است که هر کشوری که بتواند امکانات و مزیت‌های نسبی سرزمین خود را بهتر بشناسد، در اجرای شکل‌دهی به فضای سرزمینی و به عبارت دیگر در فضا سازی موفق‌تر بوده و به اهداف و چشم‌اندازهای توسعه به نحو شایسته‌تری دست پیدا خواهد کرد.

"کارل ساور" جغرافیدان آمریکایی معتقد است: «یک چشم‌انداز جغرافیایی، فضایی است از اشکال طبیعی و فرهنگی که آثار انسانی را در محیط خود و در طول زمان نشان می‌دهد». اگر این شناخت و قضاوت را ملاک عمل و سنجش جغرافیایی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که در چشم‌اندازهای جغرافیایی اثر و نقش متقابل انسان و طبیعت بسیار مشهود بوده و مثل این است که چشم‌اندازهای جغرافیایی را انسان و طبیعت با همکاری و هم‌سازی یکدیگر آفریده‌اند. از سویی دیگر رابطه‌ی آمایش سرزمین، جغرافیا و توسعه می‌تواند بیان‌های مختلفی داشته باشد. بر همین اساس می‌توان «جغرافیا» را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه‌ی سرزمین دانست و «آمایش» را تنظیم رابطه‌ی بین این عناصر به حساب آورد. در جغرافیا و آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارند که زمینه‌های اصلی مطالعه‌اند و عبارت‌اند از: انسان، فضا و فعالیت. با رعایت این اصول حاکم بر روابط جغرافیا- آمایش سرزمین و توسعه پایدار که یک نوع رابطه منظم را تبیین و تشریح می‌نماید، می‌توان به ترسیم الگوی توسعه مناطق داخلی ایران و نواحی مرزی پرداخت. زیرا علم جغرافیا اساس کار آمایش است.

در واقع آمایش سرزمین یک جنبش جغرافیایی در جهان مدرن برای اصلاح روابط انسان و فضای جغرافیایی است. در دوران نوزایی (رنسانس) که بهره‌کشی از محیط تحت هر شرایطی در محوریت برنامه‌های توسعه‌ی بشری قرار گرفته بود، تفکر آمایش سرزمین واکنشی علمی و عملی علیه‌ی این رویه‌ی طبیعت‌ستیزانه بود.

### دلایل اهمیت کانونی منطقه جنوب با محوریت خلیج فارس

مناطق جنوبی ایران از منظرگاه ژئوپلیتیکی، در جایگاه کانونی فعال و مستمر قرار می‌گیرند. ویژگی کانونی دو حوزه اصلی ژئوپلیتیکی دریای مکران و خلیج فارس را هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر تاریخی به هم متصل می‌سازد. خلیج فارس به دلیل موقعیت خاص خود توقفگاه است و دریای عمان نقش اتصالی دارد. خلیج فارس به لحاظ نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که به لحاظ منابع انرژی فضای مهمی را برای ایفای نقش بازیگران فراهم می‌کند. حضور همواره قدرت‌ها و بازیگران جهانی موجب گردیده تا



مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

خلیج فارس در کانون اهمیت جهانی قرار بگیرد. اما در کنار این اهمیت، این دو منطقه بویژه خلیج فارس در طول صد سال اخیر بحران‌ها و تنش‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند و خلیج فارس همچنان در قوس بحران سیر می‌کند. در این مقاله می‌خواهم این نتیجه‌گیری را داشته باشم که آینده امنیتی خلیج فارس و دریای عمان در گرو عملکرد و سیاست‌های توسعه‌محورانه ایران است. اگر جمهوری اسلامی ایران بخش اعظم انرژی خود را معطوف به برنامه‌های بلندمدت در **مرزه** و سواحل خلیج فارس و جزایر آن نماید، می‌تواند تا سال ۱۴۱۰ هجری شمسی، بخش وسیعی از کارکردهای فعلی این مناطق را تغییر داده و کارکردهای نوین مبتنی بر اقتصاد متمرکز و وابسته متقابل با کشورها و حوزه‌های فعال همجوار نماید. این منطقه در آینده در تنظیم رقابت‌های بزرگ ژئوپلیتیکی نقش تعادل‌کننده را برعهده دارد.

برخورداری از نعمت دریا و سواحل مناسب دریایی، نقش مهمی را در ارتقاء جایگاه نظامی - امنیتی و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک کشور در نظام بین‌الملل، ایفا می‌نماید. براین اساس و با توجه به تحولات محیطی منطقه و جهان و همچنین موقعیت خاص ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در این عرصه، بخش جنوب شرقی سواحل کشور از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار گردیده‌است. از سوی دیگر سواحل جنوب شرقی از توانمندی و قابلیت‌های بالقوه فراوانی بهره‌مند بوده است.

#### دستاورد تحلیلی میانی تحقیق

حضور رقابتی مانند هند و پاکستان در شرق و ظهور جهان‌شهرهای عربی در حوزه جنوبی خلیج فارس و جذابیت‌های فراوانی که در این مناطق ایجاد نموده‌اند، سبب کاهش روابط فعالیت‌ها در مناطق جنوبی ایران بویژه حوزه جنوب شرق کشور و تعطیلی برخی از فعالیت‌های مرزی و گسترش شدید قاچاق کالا شده‌است. البته رقابت‌های محلی بین شهرها و مراکز استان‌ها با شهرهای کوچک مرزی در طول ۴ استان فعال این مناطق نیز علت دیگر این مسئله است. از طرفی دیگر بخش وسیعی از مرزهای خشکی و آبی این مناطق امنیتی هستند و این مسأله تمامی فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و حضور بخش خصوصی و فضای آزاد تجاری در آن‌ها را محدود می‌نماید. این امر یکی از دلایل تشدید پدیده‌ی قاچاق در مناطق مورد مطالعه در این تحقیق است.

طولانی‌بودن مرزها در دو حوزه آبی و خشکی که از قاعده برنامه‌ریزی نقطه به نقطه محروم هستند، از دیگر دلایل و ضعف‌های سرزمینی مناطق جنوبی ایران به‌شمار می‌آیند. این مسأله ضعف ارتباطات و زیرساخت‌های دیگر را در طول سالیان متمادی در پی داشته و نیز ناامنی در

این مناطق موثر جغرافیایی کشور رقم زده است. این درحالی است که کشورهای عرب منطقه با اتخاذ روشی صددرصد آمایشی در طول کمتر از ۲۰ سال به موفقیت‌های خارق‌العاده‌ای در منطقه و جهان دست پیدا کرده‌اند.

نکته حائز اهمیت این است که مناطق ساحلی و خشکی ایران در مناطق جنوبی و شرقی از نظر کارکردهای جغرافیایی از ظرفیت‌های فراوانی نسبت به همسایگان جنوبی برخوردار می‌باشد. ولی فقدان راهکار آمایشی و سلطه نفوذ در مرکز قدرت و تصمیم‌سازی‌های سیاسی غیرآمایشی، فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌نماید. مناطق جنوبی ایران در سرفصل جغرافیای کاربردی ایران می‌گنجند و نیاز به یک برنامه بلندمدت ۱۵ الی ۲۰ ساله بصورت نقطه به نقطه دارند و اگر این اتفاق بیفتد توسعه خطی ساحل به خشکی در خلیج فارس معنا پیدامی‌کنند و این مستلزم اجرای نظام آمایش ساحلی است. علاوه بر این از نظر سیاسی و امنیتی می‌توان با اجرای دقیق نظام آمایشی به اصل تمرکززدایی حوزه‌ای و حرفه‌ای در بخشی از مناطق مهم ژئوپلیتیکی کشور دست یافت (قالیباف، ۱۳۸۹: ص ۱۱۰). بنابراین عدم توجه آمایشی به منطقه و عدم اقدام جهت استفاده از پتانسیل‌های منطقه جهت توسعه‌ی آن سبب تشدید ناامنی و فقر اقتصادی و در نهایت واگرایی و تهدیدات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و در نتیجه سیاسی- امنیتی می‌شود.

علاوه بر این نگاه برون‌توسعه‌ای، از نگاه مکانیزم اقتصاد درون‌زا نیز، به‌رغم پتانسیل‌های پایین مناطق مرزی از جمله منطقه‌ی مورد مطالعه، جمهوری اسلامی ایران برای تقویت حاکمیت خود در منطقه و رفاه و توسعه پایدار برای مردم منطقه و در نتیجه ایجاد امنیتی پایدار نیاز با آمایش علمی این منطقه‌ی مورد نظر دارند.

عوامل شکل‌دهنده دفاعی - امنیتی مناطق جنوبی ایران و اهمیت آن در تقویت یا تضعیف

امنیت ملی

ایران امروزی با طیفی وسیع از مسائل ناحیه‌ای و ناحیه‌گرایی رو به رو است. امروزه ایران از سویی در شمار دولت‌های بیست و پنج‌گانه «سرزمین پهناور» است که با طیفی از ناحیه‌گرایی مواجه‌اند (Cottom, ۱۹۷۹: ۱۳۲). طی دو سده اخیر متاثر از تحولات نظام جهانی، مقوله علت وجودی و پیدایش دولت مدرن در ایران و تعریفی که از علت وجودی، عناصر همگرا و واگرا در همبستگی ملی بدست داده‌است. برخی نواحی همبستگی ضعیف‌تری را به نمایش گذارده‌اند که نتیجه آن بروز برخی کنش‌های ناحیه‌گرایانه در قالب زبان و مذهب بوده است.

جنوب و جنوب شرق ایران از آن دست نواحی است که متأثر از برخی شناسه‌های فرهنگی و جغرافیایی به همراه تأثیرپذیری از تحولات فکری و سیاسی در شبه‌قاره هند و دو کشور

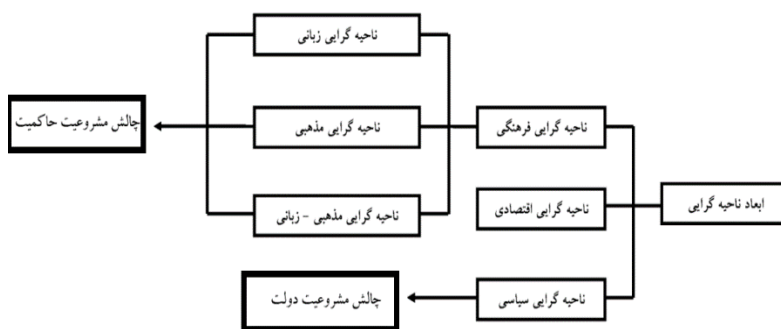


مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

بحران زده پاکستان و افغانستان، دست کم طی یک دهه اخیر عرصه کنش برخی جریان‌های ناحیه-گرای مذهبی بوده که نتیجه آن بروز اقدامات تروریستی و چالش‌های امنیتی در استان سیستان و بلوچستان بوده است. ناحیه بلوچستان به عنوان بخشی از استان سیستان و بلوچستان به واسطه تمایز مذهبی، فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، همسایگی با دو کشور فقیر و بحران زده افغانستان و پاکستان، همسایگی با کانون اصلی کشت تریاک در جهان و به تبع آن قرارگرفتن در گذرگاه‌های اصلی عبور و ترانزیت مواد مخدر، پیوستگی سرزمینی قومی بلوچ میان سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان و کنش‌های گسترده میان آن‌ها، فقر و محرومیت اقتصادی در مقایسه با سایر فضاهای ملی، ساختار طایفه‌ای، تنگناهای طبیعی و فعالیت گروه‌های تروریستی بنیادگرا دست کم طی یک دهه اخیر با طیفی از رخدادهای ناحیه‌گرایانه مواجه بوده است.

عوامل و عناصری که موجودیت ناحیه‌گرایی را در یک واحد سیاسی به وجود می‌آورد، تابعی از شرایط، خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد آن ناحیه خواهد بود. به عبارت دیگر، نیروی اولیه حرکت یک جنبش ناحیه‌گرایانه در تمامی کشورهای درگیر با این پدیده یکسان نیست؛ زیرا خاستگاه آن در هر واحد سیاسی یکسان نبوده و تابعی از شدت و توان یکی از گونه‌های این پدیده و یا در بعضی موارد همه آنها بوده است.

ناحیه‌گرایی ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد که هر کدام از این ابعاد، معرف و شناساننده ماهیت وجودی فعالیت‌های ناحیه‌گرایانه است. براین اساس، گونه‌شناسی ناحیه‌گرایی عبارتند از: ۱- ناحیه‌گرایی فرهنگی ۲- ناحیه‌گرایی اقتصادی ۳- ناحیه‌گرایی سیاسی ۳.



<sup>۱</sup> Cultural regionalism  
<sup>۲</sup> Economic regionalism  
<sup>۳</sup> Political regionalism

جهان‌گیر شدن ارتباطات، زمینه‌ساز شکل‌گیری انواع هویت‌های جداگانه قومی و رجوع به ابتدایی‌ترین وفاداری‌های محلی و ناحیه‌ای شده و به موازات آن انواع اختلافات و درگیری‌های قومی را پدید می‌آورد. پیامد طبیعی چنین شرایطی، نمایان شدن ضعف واحدهای سیاسی، گرایش به ارزش‌های فروملی و دگرگونی در وفاداری‌ها و هویت‌ها است که زمینه‌ساز ناحیه‌گرایی در کشور می‌شود. مقیاس منطقه‌ای در قالب خرد و کلان بر ناحیه‌گرایی تأثیر می‌گذارد. در مقیاس منطقه‌ای خرد، کارکرد کشورهای همجوار و همسایه در پیدایش این پدیده مؤثر است. به گونه‌ای که، اختلافات مرزی و قاجاق از عوامل اصلی اختلافات میان دو کشور می‌شود. در نتیجه، دخالت‌های دو کشور در امور همدیگر به رویه غالب در سیاست‌های خارجی آن دو تبدیل می‌شود. افزون بر این، در این مقیاس تحولات سیاسی در کشورهای همسایه نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند تقویت این پدیده را به دنبال داشته باشد. در سطح کلان نیز دنباله ژئوپلیتیکی قومی - مذهبی و سیاست‌های منطقه‌ای مداخله‌جویانه کشورهای منطقه در تشدید ناحیه‌گرایی اثرگذارند. در مقیاس ملی، تصمیمات دولت‌های ملی به واسطه به‌کارگیری سیاست‌هایی خاص، باعث ایجاد ناحیه‌گرایی می‌شود. رویکرد امنیتی - نظامی حکومت به ناحیه، نبود زیرساخت‌های قابل پذیرش توسعه‌ای در سطح ناحیه، عدم مشارکت سیاسی - اداری آن‌ها در جامعه از سوی دولت، کم‌توجهی به نمادهای ناحیه و احیاناً در بعضی موارد بی‌احترامی به آن‌ها، مقیاس‌های ملی اثرگذاری هستند که در تشکیل و تشدید ناحیه‌گرایی مؤثرند. در مقیاس ناحیه‌ای و محلی هم تصمیمات نخبگان قومی، طوایف و گروه‌ها به واسطه همسانی‌های طبیعی و فرهنگی در سطح ناحیه - که باعث تمایز ناحیه از بدنه اصلی کشور می‌شود - در خلق این پدیده نقش می‌آفرینند.

#### ناکارآمدی نظام توزیع فضایی در سطح جنوب شرق ایران

اساساً توسعه متوازن و همه‌جانبه یکی از اصول مهم توسعه پایدار است. توسعه و میزان مناسب برخورداری نیز رضایت شهروندان را به دنبال دارد. این امر در جوامعی که از تنوعات فرهنگی برخوردارند؛ اهمیت بالایی دارد. به گونه‌ای که کنش و رفتار آن‌ها نسبت به حکومت، تابعی از میزان بهره‌مندی خواهد بود. با استناد به شاخص‌های توسعه در سرشماری‌ها توسط مرکز آمار ایران، در استان سیستان و بلوچستان، توسعه و توزیع امکانات به یک اندازه در میان شهرستان‌های استان مشاهده نمی‌شود. به طوری که در اکثر شاخص‌ها، شهرستان‌های زاهدان و زابل از میزان توسعه بالایی برخوردارند و سایر شهرستان‌ها نیز با اختلاف زیادی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. براین اساس، با استناد به چند شاخص توسعه نظیر: آموزش و سطح سواد، بهداشت و درمان، میزان دسترسی به آب و برق در نقاط روستایی، همچنین دسترسی به مراکز



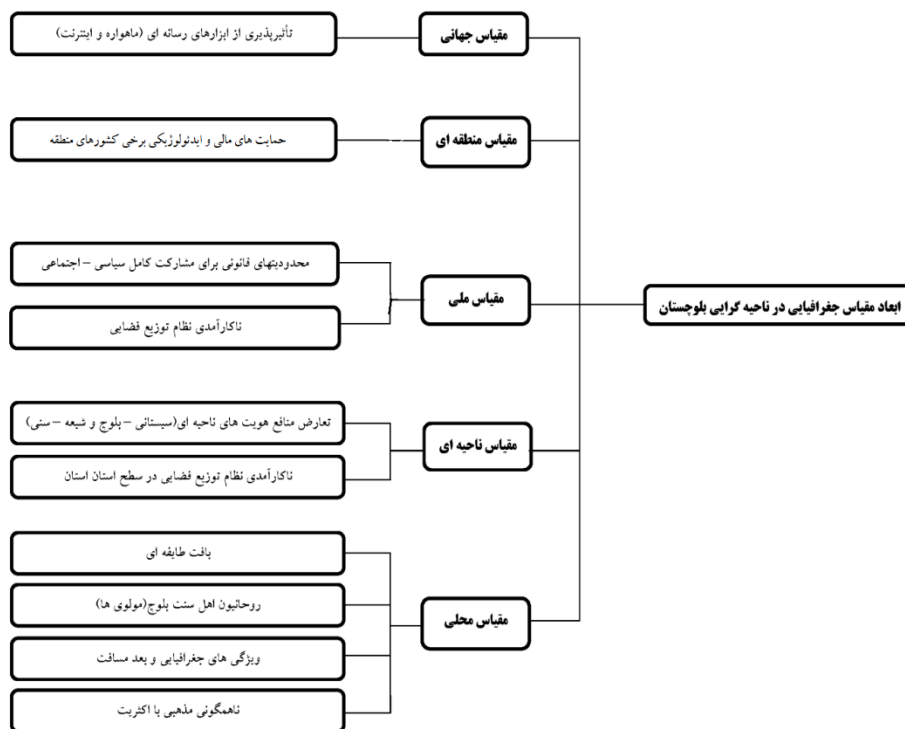
مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور"

خدمات فرهنگی (کتابخانه، سینما و غیره) و امور زیربنایی همچون راه‌های ارتباطی شهری و روستایی، وضعیت استان به شرح زیر است:

از نظر آموزش و سطح سواد، وضعیت به ترتیب بدین قرار است: شهرستان‌های زاهدان ۸۲، زابل ۸۰، ایرانشهر ۷۱، خاش ۶۸، سراوان ۶۷، کنارک ۶۳، سرباز ۵۴، چابهار با ۶۰ درصد باسواد و ... (سال‌نامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰: ۵۰۸). از نظر شاخص بهداشت و درمان نیز ۱۸ مؤسسه فعال درمانی در سال ۱۳۹۰ در استان وجود داشته که در مجموع، ۲۷۳۶ تخت بیمارستانی داشته‌اند که از این تعداد، ۱۲۲۹ تخت در شهر زاهدان و در مرتبه بعد، شهر زابل با ۵۷۳ تخت قرار دارد. مابقی شهرستان‌ها نیز به شرح زیر است؛ ایرانشهر ۳۳۰ تخت، سراوان ۱۷۸ تخت، خاش ۱۴۶ تخت، چابهار ۲۰۷ تخت و نیکشهر ۷۳ تخت (همان: ۵۵۴). شاخص بعدی در سنجش سطح برخورداری، میزان دسترسی به آب و برق در نقاط روستایی است که براساس سرشماری مرکز آمار ایران از مجموع روستاهای استان ۳۷۴۹ روستا به آب و برق دسترسی داشته‌اند که توزیع آن به ترتیب زیر است: ۵۱۸ روستا در زابل، ۴۹۶ روستا در چابهار، ۵۱۳ روستا در خاش، ۴۹۷ روستا در نیکشهر، ۴۴۹ روستا در سراوان، ۴۰۹ روستا در ایرانشهر، ۳۴۴ روستا در سرباز و ... (همان: ۳۱۱). شاخص بعدی، سرمایه‌گذاری دولت در بعد فرهنگی است که طبق آمار، تعداد کتابخانه‌های عمومی نسبت شهرستان‌های استان بدین گونه است: زابل ۹ کتابخانه، زاهدان ۷ کتابخانه، ایرانشهر و خاش هر کدام با ۵ کتابخانه، چابهار و سراوان هر کدام با ۴ کتابخانه و ... شاخص دیگر فرهنگی، تعداد سینماها در سطح استان است که بر پایه گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۰، در استان فقط یک سینمای فعال وجود دارد که آن مورد نیز در شهر زاهدان قرار دارد (همان: ۶۰۶). آخرین شاخص، میزان دسترسی به راه‌های ارتباطی در نقاط شهری و روستایی است که براساس آن طول انواع راه‌های ارتباطی آسفالتی و شوسه شهری و روستایی زیر پوشش اداره کل راه و شهرسازی در شهرستان‌های مختلف استان به ترتیب زیر است: زابل ۱۲۲۳ کیلومتر، زاهدان ۹۰۳ کیلومتر، خاش ۹۳۴ کیلومتر، چابهار ۶۸۵ کیلومتر، نیکشهر ۷۰۷ کیلومتر، سراوان ۴۶۹ کیلومتر و ... (همان: ۳۸۲).

در مجموع با نگاهی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های ذکر شده در مورد برخورداری و میزان دسترسی مردم به امکانات، این گونه می‌توان گفت که توزیع سرمایه در استان یکسان نیست؛ به گونه‌ای که شهرستان‌های زاهدان و زابل از بیشترین میزان امکانات برخوردارند.

شکل ۲: پیامدهای ناشی از اثرات مقیاس‌های جغرافیایی در شکل‌گیری ناحیه‌گرایی در بلوچستان



#### ۴. تحلیل محیطی موقعیت منطقه مورد مطالعه

دریای عمان پهنه آبی است که خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل می‌کند. کشورهای ایران و پاکستان در شمال آن و کشورهای عمان و امارات در جنوب آن قرار دارند. دریای عمان از سمت غرب توسط تنگه هرمز به خلیج فارس و از سمت شرق به دریای عرب و اقیانوس هند وصل می‌شود. در جنوب دریای عمان کشور عمان قرار دارد. طول ساحل ایران در امتداد دریای عمان، از خلیج گواتر تا بندرعباس ۷۸۴ کیلومتر است. سواحل جنوبی ایران از تنگه هرمز تا بندر گواتر مجاور آن است و این مسافت نیمی از سواحل جنوبی ایران را تشکیل می‌دهد. مدار رأس‌السرطان از شمال آن عبور می‌کند و از این رو این دریا در منطقه گرم کره زمین واقع شده است. حداکثر درجه حرارت سطح آب در مرداد ۳۳ درجه و در دی ماه دست‌کم ۱۹/۸ درجه است. طول آن از تنگه هرمز تا دکن حدود ۶۱۰ کیلومتر و عرض آن کمتر از عرض آب‌های خلیج فارس است. مساحت آن ۹۰۳ هزار کیلومترمربع است در مقابل عمق آن از خلیج فارس بیشتر است. عمق این دریا در اطراف چابهار حدود ۳۳۹۸ متر است. هرچه به سوی غرب پیش برویم، عمق آن به سرعت کم می‌شود تا جایی که در نزدیکی تنگه هرمز به ۷۳ متر می‌رسد. بنادر





مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

کوچک چون جاسک، چاه بهار، گواتر در کنار این دریا دیده می‌شوند که بیانگر بازرگانی و دریانوردی آن است. شهرهای مهم حاشیه‌ای این دریا در ایران چابهار و جاسک و در کشور عمان مسقط (پایتخت عمان) هستند.

## ۵. نتیجه

سواحل جنوب شرقی ایران به لحاظ جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی می‌تواند در اتخاذ استراتژی‌های فرامنطقه‌ای و درون‌قاره‌ای برای ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و توان تحرک اقتصادی مطمئن به کشور ایران ببخشد. تحقق این آرمان بحق، به معنای گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیک ایران، فراتر از حوضچه خلیج فارس و امکان تبدیل آن به یک قدرت استراتژیک و بنیادین است. بر خلاف محیط بسته خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، با پیوند دادن ما به آب‌های آزاد، امکان این تبدیل را به ما می‌دهد. وجود عوامل ارزشمند توسعه‌ساز، آن هم در ابعاد چهارگانه ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی - ژئواکونومی و امنیت فرادستی می‌تواند قدرت نظارتی و کنترل ایران را بر بخش شمالی اقیانوس هند افزایش دهد. مرزهای آبی کرانه‌های مکران و کنترل یکی از آبراه‌های اصلی و استراتژیک جهان یعنی تنگه هرمز، تسلط ایران را بر مبادی ورودی خلیج فارس و اقیانوس هند تضمین می‌کند و از طریق تجمیع منافع دیگران، با تولید امنیت از طریق همکاری‌های بین‌المللی، هزینه تامین امنیت منطقه را به‌عهد دیگران می‌گذارد. تحقق این اصل مغفول‌مانده ملی در گرو درک جغرافیای ملی و جغرافیای منطقه مکران و تمرکز توسعه براساس اصل آمایش سرزمین خواهد بود.

## منابع

۶. پورطالعی، فاطمه (۱۳۹۰)، جایگاه توسعه یافتگی ایران و استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی، هفته نامه خبری تحلیلی برنامه، شماره ۴۳۷.
۷. جانستون، رونالد و تیلور، پیتر، و واتس، مایکل (۱۳۸۳)، جغرافیاهای تحول جهانی، ترجمه نسرین نوریان، چاپ اول، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
۸. حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۹. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش ملی تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۰. قالیباف، محمدباقر (۱۳۷۵)، بررسی نقش عوامل جغرافیایی در امنیت استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.

۱۱. کامران، حسن و قورچی، مرتضی و زهتابی، منا (۱۳۸۵)، جهانی شدن و دولت‌های محلی، فصلنامه انجمن- جغرافیایی ایران، شماره ۹
۱۲. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۴)، تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر واگرایی سرزمینی، مطالعه موردی: قوم بلوچ، گزارش پژوهشکده مطالعات راهبردی، شهریور ۱۳۸۴.
۱۳. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶)، ناحیه گرایی سیاسی در ایران (مطالعه موردی بلوچستان)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۶.
۱۴. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹)، ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰)، کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در روابط ایران و پاکستان، مجموعه مقالات مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به کوشش طیبه واعظی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. کریمی پور، یدالله و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک ناحیه گرایی و تقسیمات کشوری ایران، چاپ اول، تهران، نشر انتخاب.
۱۷. کریمی پور، یدالله، (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپلیتیک نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
۱۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، زمستان ۱۳۸۰.
۱۹. محقر، احمد (۱۳۷۲)، فرقه گرایی در پاکستان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، تهران، اداره آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران.
۲۱. مصاحبه با دکتر عباسعلی نورا، نماینده شهرستان زابل در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰/۱۰/۴).
۲۲. مصاحبه با دکتر محمدصادق کوشکی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و پژوهشگر در حوزه امنیت ملی و بلوچستان در تاریخ (۱۳۹۰/۸/۸) و (۱۳۹۰/۸/۳۰).
۲۳. موتقی، سید احمد (۱۳۸۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۲۴. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان های جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۵. میرحیدر، دره و حمیدی نیا، حسین (۱۳۸۵) مقایسه جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل از نظر روش شناسی و مفاهیم، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳.
۲۶. میرحیدر، دره و ذکی، یاشار (۱۳۸۹)، مفهوم مقیاس جغرافیایی و اهمیت آن در جغرافیای سیاسی پست مدرن، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار.



مجموعه مقالات همایش "فراوری پتانسیلهای ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرقی کشور"

۲۷. هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه شاپورگودرزی نژاد، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. ۲۰. توفیق، فیروز. ۱۳۸۴. آمایش سرزمین. تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. وزارت مسکن و شهرسازی. تهران.
۲۱. سرور، ۱۳۷۷. سیاستگذاری منطقه‌ای در ایران در ارتباط با طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، استانداری هرمزگان.
۲۲. عزتی، عزت اله. ۱۳۶۸. جغرافیای نظامی ایران. انتشارات امیر کبیر. تهران.
۲۳. عندلیب، علیرضا. ۱۳۷۹. آمایش مناطق مرزی. رساله دکتری منتشر نشده. رشته شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. تهران.
۲۴. عندلیب، علیرضا. ۱۳۸۰. نظریه پایه آمایش مناطق مرزی. دوره عالی جنگ. تهران.
۲۹. le heron, Richard (۲۰۰۱) exploration in human geography, pub: oxford.
۳۰. ۲. Castells, Manuel .۲۰۰۹. Communication Power; Oxford University Press; Oxford, UK.
۳۱. -Buchanan, Ruth .۱۹۹۸. Border Regions: NAFTA, Regulatory Restructuring, and the Politics of Place; ۵.in Global Legal Studies Journal; II, ۲, Buchanan
۳۲. -Hansen, Niles H. (ed.) .۱۹۷۸. Border Regions: A Critique of Spatial Theory and an European Case Study;
۳۳. -Human Settlement Systems: International Perspectives on Structure Change and public Policy. Ballinger
۳۴. Publication Co., pp. ۲۴۶-۲۶۱ Cambridge,UK.۷
۳۵. -Jones, Phillip, n. and Wild, Trevor .۱۹۹۴. Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former